

یادداشت وارده؛

یارکشی شورای شهر اصفهان

یادداشت#۴۷؛ اگر بخواهم جریان شناسی اصفهان را با تحلیل ساختاری در چند کلمه به میدان کلامی سیاست معرفی کنم، جریان ایدئولوژیک ساز خودی و غیر خودی یا مالک و مملوک یا حزب من و حزب دیگری به نظر مناسب می رسد و کارساز خواهد بود.

به گزارش سایت خبری پرسون از اصفهان، این که مبانی فکری این جریان های پر ابهام یا بهتر بگوییم دوگانگی لاینحل ساختاری به کدام مرجع و منبع علمی برمی گردد، جای دقت نظر جامعه شناسان، مردم شناسان و متخصصین این حوزه است. لیک با مختصر تاملی و تدقیق ابوابی در رشته جامعه شناسی سیاسی که در تخصص اساتید بنده است، با رنگ و لعاب قلم پریشانی بر دفتر ویژه نامه سجل دل می سرائیم و سخن دل می نگاریم. بحث خودی و ناخودی در چارچوب قدرت مطرح می گردد و می خواهد رابطه ملت و دولت را تعریف کند و گرنه بحث خودی و ناخودی در چارچوب اجتماعی ممکن است که یک امر عادی باشد.

مثلا فرض کنید که در روابط عادی و اجتماعی خانواده ها حریم هایی برای همدیگر دارند که در این حریم ها کسانی را خودی می دانند و کسانی را غیر خودی، کسانی را آشنا یا کسانی را غریبه می دانند.

اگر در جامعه این بحث ها جریان داشته باشد در روابط بین خود مردم ضرری ندارد ولی در کمال تاسف خودی و غیر خودی در چارچوب قدرت تعریف می شود که به نظرم مبنای مصنوعی و خود ساختهای است.

بهتر بگوییم تا مشخص شود به کدام سو می رویم، ما یک خودی و ناخودی ایدئولوژیک و یک خودی و ناخودی حقوقی داریم. در خودی و ناخودی حقوقی آن کسانی که مالک نیستند سهمی ندارند مثل مالکیت هر کسی بر مسکن خود و کشور ایران.

ولی در خودی و ناخودی ایدئولوژیک انسان ها دارای عقاید و درجات گوناگونی هستند و ضرری تولید نمی کند که کسانی هم عقیده خودی محسوب شوند یا هر حزب سیاسی می تواند اعضای خودش را خودی و اعضای حزب دیگری را غیر خودی بداند که امری رایج است.

ولی بحث ما در اصفهان در قلمرو بحث مالکیت یک ملت بر ملک خودش و در میان ملت بحث خودی و غیر خودی فساد انگیز و در هم گسیختگی ست مثلا بگوئیم ایرانیان همه خودی هستند تا اینجا جای امر بدیهی ست اما زمانی که خودی و غیر خودی را در درون این امر آوردید اینجا بحث فساد انگیز می شود چون می گویند.

ایرانیان هم خودی هستند پشت بند آن یکسری شروط می گذارند مثلا ایرانیان معتقد به مذهب کاتولیک خودی اند اینجا شما آمده اید در همین قلمرو مالکیت با یک عامل دیگری که مربوط به گرایشات عقیدتی من است قضاوت می کنید به همین دلیل تخصیص زدن به تعریف حقوقی خودی و غیر خودی یعنی داخل کردن عناصری از حوزه ایدئولوژیک به حوزه حقوق مالکیت که عناصری مخل و فساد انگیز و گاه تومار در هم پیچیده است.

در واقع کسانی در همین شهر، اصفهان با تمدن چند هزاره اصلی را می پذیرند بعد انقدر به این اصل قید می زنند که در انتها فقط اسمی از اصل باقی می ماند.

مثلا از آزادی به عنوان گوهر گرانبها استفاده می کنند اما شروع می کنند به قید زدن که در نهایت آزادی فقط برای یک عده خاصی که دارای حقوق و امتیازات انحصاری است می ماند و عنصری شفاف در قلوب اطرافیان و دوستان دلاور و تحت امر تلقی می شود. بنده اصلا قصد کنایه زدن یا ابرو بردن و ذهن مشوش کردن و بازی با کلمات را ندارم و صرفا وجه مشترک جبهه ها مجامع اصفهان را بر اساس مبنای فکری واحد در یک بعد به تسجیل و قلم نگاشتم.

نتیجه را به خود مخاطب وامی گذارم و لله عاقبه للمتقین

نویسنده: دکتر علی رضا احمدی - دکترای حقوق رسانه

توجه: مطلب مندرج صرفا دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.